

# آموزش و رستگاری



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** پیدایش ۱: ۲۶، ۲۷؛ اشعیا ۱۱: ۱ تا ۹؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۴ تا ۱۷؛  
اول پادشاهان ۴: ۲۹ تا ۳۴؛ یوحنا ۱۴: ۱۷؛ اول قرنتیان ۲: ۱ تا ۱۶.

**آیه حفظی:** «تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسایی سودمند است» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶).

کتاب مقدس داستان طولانی خدا و مردمش را تعریف می کند. گاهی اوقات به عنوان داستان یک عشق از دست رفته حداقل بطور موقت، دیده میشود. یا می تواند به عنوان داستان یک پدر و فرزندان سرکش و متمردش مشاهده شود که سرانجام مسیرشان را در زندگی تغییر می دهند. اما به منظور تعلیم این هفته، ما موضوع دیگری را در داستان کتاب مقدس مورد بررسی قرار خواهیم داد، داستان یک معلم و شاگردانش است. در حالیکه شاگردان همچنان در آزمون های خود ناکام هستند، اما او صبورانه تعلیم خود را بارها برای آنان تکرار و توضیح می دهد، تا اینکه در آخر، برخی از آنان خواهند آموخت.

داستان کتاب مقدس بی شباهت به داستان های انسانی که ما میدانیم نیست، - با یک استثنا. داستان خدا و قومش ختم به خیر می شود و به هدف خود می رسد. فیض الهی نسبت به قومش این نتیجه و عاقبت را تضمین می کند. وظیفه انسان در این رابطه اغلب مورد سوء تعبیر قرار گرفته و حتی توسط بسیاری که آنرا دشوار و طاقت فرسا تصور کرده اند، هراسناک جلوه داده شده است. اما در حقیقت، داستان کتاب مقدس اساساً دعوتی برای شناختن خدا و درک اراده اوست. در واقع، شناخت خدا مهمترین پاسخ ما به فیض و رحمت اوست. ما نمی توانیم چنین فیض و رحمتی را بدست آوریم، اما می توانیم آن را بیاموزیم، و اگر این آموزش مسیحی نیست، در آن صورت، آموزش چه چیزی را در مورد این فیض به ما می آموزد؟

درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱ آذر - ۲۱ نوامبر آماده شوید.

## در تصویر خداوند

پیدایش ۱: ۲۶، ۲۷ و پیدایش ۵: ۱، ۳ را بخوانید. این آیات درباره اینکه چگونه خدا در ابتدا بشر را آفرید و سپس، بعد از گناه چه اتفاقی برای بشریت افتاد، چه آموزش می دهند؟

عبارت «تصویر خداوند» برای قرن‌هاست که توجه مفسران کتاب مقدس را بخود جلب کرده است. این صورت و شمائلی که انسانها در ابتدای خلقت بصورت آن خلق شدند، چیست؟ برای مثال، آیا این بدان معناست که خداوند به یک آینه نگاه کرد و مخلوق جدید خود را شکل داد تا شبیه خود باشد؟ یا بدان معناست که انسانها بیش از سایر مخلوقات همانند او هستند؟ یا این به شباهت و مطابقت و همسانی روحانی و هوشیاری بین خالق و مخلوقش اشاره دارد؟ کتاب مقدس هیچ توضیح دقیقی در این مورد به ما نمی دهد حتی با وجود اینکه محققان تفسیرهای زیادی راجع به مفهوم روحانی آن ارائه داده‌اند. با اینحال، ما می توانیم ببینیم که بعد از ورود گناه به جهان، این تصویر تغییر کرده است، به همین دلیل الن جی وایت می نویسد که هدف از آموزش احیای تصویر خالق در مخلوق خود می باشد (آموزش، صفحات ۱۴ تا ۱۶).

چگونه آموزش میتواند به چنین هدف برجسته ای دست یابد؟

نخست، باید به خاطر داشته باشیم که خداوند ما را برای داشتن رابطه با خودش، تا حدی که والدین با فرزندانشان دارند، خلق کرد. خدا ما را شبیه به خود آفرید، همانگونه که فرزندان والدین انسانی شبیه به آنان هستند (پیدایش ۵: ۱)، تا او بتواند ما را به عنوان فرزندان خویش تربیت کند، کسانی که متعلق به خانواده او باشند؛ او می تواند با آنان ارتباط برقرار کند، یعنی رابطه ای پایدار و ابدی. بنابراین، صورت خداوند بیشتر «تصویری ذهنی» و روحی است که قادر می سازد تا دو موجود، یکی الهی و دیگری انسانی همدیگر را در ذهن ملاقات کنند. این دقیقاً همان اتفاقی است که در آموزش رخ میدهد، ابتدا در خانواده بین والدین و فرزندان و بعد از آن در مدرسه وقتی معلمان کار تعلیم را برعهده می گیرند. ظاهراً، خداوند این روند آموزشی را که ما خیلی خوب می شناسیم در نظر داشت. وقتی که ما را از سایر مخلوقات متمایز می آفریند، او ما را به شکل خود آفرید، او اینکار را کرد تا بتواند به ما تعلیم دهد تا ما بتوانیم از او تعلیم بگیریم، تا زمانی که تصویر او (افکار او) در افکار ما منعکس شود.

داستان رستگاری، داستان تعلیم از خلقت تا ظهور مسیح در جسم و از مسیح تا تولد تازه است. خدا معلم است، و ملکوت مدرسه برای همه بشریت

در طول تاریخ (نگاه کنید به آموزش از خانمِ اِلن جی وایت، صفحه ۳۰۱). پیامدها و ثمرات این تفکر برای تعهد ما نسبت به آموزش مسیحی در خانه، کلیسا، مدرسه، دانشگاه و در طول زندگی چه هستند؟

## دوشنبه

۲۶ آبان

### مسیح به عنوان معلم

کتاب مقدس عبارات زیادی را برای توصیف عیسی بکار می‌گیرد. پسر خدا، مسیح موعود، پسر انسان، رهایی‌بخش، خداوند، بره خدا، که اینها تنها مواردی از آنها هستند. اما برای افرادی که او را در طول سه سال و اندکی خدمت علنی و زمینی او در یهودا و جلیل، بهتر شناختند، او یک معلم بود. آنها او را «استاد»، یا «ربای» صدا می‌زدند. هر دو به معنای یک چیز هستند، یعنی «معلم».

بنابراین، حرفه تعلیم و کار آموزش باید طریقی خاص و شیوه‌ای مناسب برای عیسی بمنظور ادامه خدمت عمومی او باشد. به نوعی کار نجات و رستگاری او با کار آموزش یکسان است. علاوه بر اینها، توسط پیامبر انجیل پیشگویی شده بود.

اشعیا باب ۱۱: ۹ تا ۱۰ را بخوانید. این آیات چه چیزی را در مورد نقش تعلیمی مسیح بیان می‌کند؟

یکی از جالب‌ترین پیشگویی‌های مرتبط با مسیح موعود در کتاب مقدس در اشعیا باب ۱۱ یافت می‌شود. آیات ۱ تا ۳ مسیح موعود را از نظر نقش تعلیمش به تصویر می‌کشند، کسی که دانش، تعلیم، خرد و حکمت، و ادراک را به ارمغان می‌آورد. کل آیه با این وعده برجسته به پایان می‌رسد: «زیرا چنانکه آب‌ها دریا را می‌پوشاند، جهان از شناخت خداوند پر خواهد شد» (اشعیا ۱۱: ۹). شاید همین تعالیم کتاب مقدس، الهام‌بخش خانمِ اِلن جی وایت در نوشتن کتاب خود در مورد آموزش بوده است تا متوجه شود که کار آموزش و کار نجات یکی هستند (آموزش، صفحه ۳۰).

یوحنا باب ۳: ۱ تا ۳ را بخوانید. نيقوديموس عیسی را ربای خطاب می‌کند، و عطایای تعلیم عیسی را به خدا منتسب می‌کند بخاطر اینکه نشانه‌هایی که به منصفه ظهور آورد یعنی معجزات و ایجاد بصیرت به زندگی معنی می‌دهد. مطمئناً هر لقبی به مسیح داده شده مرتبط با عطایای تعلیمی او بوده است، وقتی او به نيقوديموس پاسخ داد، اگر می‌خواهد پادشاهی خدا را ببیند باید از نو مولود شود. این بدان معناست که صلاحیت و شایستگی تعلیم دیگران، حتی در مورد عیسی مسیح از جانب خداوند است.

مطمئناً تعلیم یک موهبت الهی است. این توصیه خداوند است، و توسط عیسی مسیح اتخاذ شده، و توسط کسانی که عوامل و ناظران الهی برای تعلیم هستند، پذیرفته می‌شود.

## موسی و انبیا

دوم تیموتائوس ۳: ۱۴ تا ۱۷ را بخوانید. این آیات چه چیزی را در مورد نقش کتاب مقدس در آموزش مسیحی به ما می آموزند؟

بخش اول کتاب مقدس، تورات، بعضاً به عنوان «شریعت» ترجمه شده است، تا حدودی به این علت که در کتب این بخش قوانین زیادی به چشم میخورد. اما معنای واقعی تورات «تعلیم» یا «راهنمایی» است. بسیاری تصور می کنند که آنچه در باره «قانون» در کتاب مقدس وجود دارد با مقرراتی که برای ماندن در نیکویی فیض و رحمت خدا باید پیروی کنیم، بسیار متفاوت است. چنین نیست؛ شریعت در نظر داشت تا اصولی را در مورد نحوه زندگی موفق و سالم در رابطه با عهد خداوند، تعلیم دهد که او از ابتدای خلقت ما در نظر داشت.

دو بخش بعدی کتاب مقدس عبری در باره انبیا می باشد، که شرح حالی از این است که امت خدا چقدر از این مطالب آموزشی درس گرفته و با آن زندگی کردند (انبیای پیشین یا کتاب های تاریخی)، از این مطالب آموزشی چه چیزی می بایستی فرا می گرفتند (انبیای بعدی). بخش مابقی عهد قدیم (که به زبانی عبری «نوشته ها» نامیده می شود) مملو از نمونه هایی از معلمان و شاگردان موفق و کمتر موفق در مسیر تجربیات آموزشی می باشد. نمونه هایی از آموزش موفق در این کتابها شامل استر، روت، دانیال و ایوب می باشد. درمیان کسانی که رفوزه شدند، چهار دوست ایوب بودند. البته کتاب مزامیر کتاب سرودهای روحانی است و حتی سه مزمور آموزشی دارد: مزمور ۱، مزمور ۳۷، و مزمور ۷۳.

انجیل ها شامل مطالبی به منظور آموزش هستند، به ویژه مطالبی که در تمثیل های عیسی مسیح بیان شده اند. بسیاری از نامه های پولس با یک بیانیه قوی درباره بشارت عیسی مسیح آغاز می شوند، اما با مطالب تعلیمی و دروس عملی برای زندگی روزمره مسیحیان به پایان می رسند. به عنوان مثال، تمام اسراری که او درباره آینده کلیسا هویدا کرد در کتابی آمده است که فقط بره خدا، عیسی مسیح، معلم بزرگ می توانست آنرا برای بشر آشکار سازد (مکاشفه ۵: ۱ تا ۵).

برخی ممکن است بگویند، که همه مطالب تعلیمی در کتب موسی نمیتواند برای روزگار ما کاربرد داشته باشد و این مطلب صحیح می باشد. تثبیه باب ۱۷: ۱۴ تا ۲۰، رهنمودهایی برای پادشاهان، و برخی دستورالعمل هایی کاملاً صریح

را در مورد نحوه انتخاب مقامات سلطنتی در بردارد. البته امروزه ما پادشاهان را برای کلیسای خود منصوب نمی کنیم. چگونه می توانیم نحوه کاربرد مناسب همه این مطالب تعلیمی در کتاب مقدس را برای زمان خود مشخص کنیم؟

## چهارشنبه

۲۸ آبان

# زنان و مردان خردمند

کلمات مدرسه، مطالعه، و آموزش در زمان ما دارای مفهومی کاملاً روشن و واضحی هستند، که در کتاب مقدس رایج نیستند. حکمت/حکیم کلمه ای است که بسیار متداول است. به عنوان مثال، عهد عتیق به زنان و مردان حکیم اشاره دارد (دوم سموئیل ۱۴: ۲؛ امثال ۱۶: ۲۳).

اول پادشاهان ۴: ۲۹ تا ۳۴ را بخوانید. این آیات درباره اهمیت حکمت به ما چه می آموزد؟

سلیمان پادشاه به عنوان مردی بسیار حکیم قلمداد شده است که در باره زندگی حیوانات و گیاهان صحبت می کند و ضرب المثل هایی را با حکمت عالی و پر معنا همچون مرد حکیم و دانا بیان می کند (اول پادشاهان ۴: ۲۹ تا ۳۴). کتابهای امثال و جامعه شامل بسیاری از تعالیم حکیمانه در مورد موضوعاتی هستند که به سلیمان و همچنین سایر معلمان حکیم در دوران کهن نسبت داده شده اند (امثال ۱: ۱؛ امثال ۲: ۵؛ امثال ۱: ۳۰؛ امثال ۱: ۳۱؛ ۱).

بر اساس کتاب مقدس، حکمت بسیار شبیه به همان آموزش امروز ما است. چیزی است که فرد از والدین و معلمین خود می آموزد، مخصوصاً در سنین جوانی (جامعه ۱۲: ۱)، اما در حقیقت، فرد حکمت و خرد را در طول عمر خود کسب می کند. علاوه بر این، خرد و حکمت بطور کلی جنبه عملی دارد؛ به عنوان مثال، از مورچه ها باید آموخت که آذوقه لازم را برای زمستان ذخیره کنند (امثال ۶: ۶ تا ۸).

با این وجود حکمت تنها جنبه عملی ندارد؛ بلکه جنبه تئوری هم دارد، زیرا با ایمان به خدا آغاز میشود و از اصول بنیادی ویژه ای پیروی می کند (امثال ۱: ۷). حکمت به ما کمک می کند تا در زندگی به خاطر منفعت رسانی به دیگران مسئولیت پذیر باشیم، و همچنین ما را از گرفتاری و آسیب محافظت می کند. و بالاخره، درست مانند آموزش امروز، حکمت به تمام سوالاتی که ممکن است برای ما پیش بیاید نه تنها پاسخ می دهد، بلکه این امکان را برای ما فراهم می کند تا ضمن تحقیق در امور ناشناخته به آنچه که می دانیم راضی باشیم و این موقعیت خوبی است که می توانیم یاد بگیریم تا خدا را بشناسیم و به فیض و رحمت او اعتماد کنیم. بر اساس ارمیا ۱۸: ۱۸، معلمین حکیم، همسان حکیمانی برای راهنمایی و انبیاپی برای اعلام پیام خداوند هستند. هر سه حامل

پیامهایی از سوی خداوند به قوم خود، در قالب تعلیم شریعت، توصیه های آموزشی، و پیامهای ویژه هستند.

چگونه می توانیم حکمت را بیاموزیم و سپس آنرا به نسلی که بعد از ما می آیند منتقل کنیم؟ چرا اینکار برای ما به عنوان یک قوم بسیار مهم است؟

۲۹ آبان

پنجشنبه

## آموزش در کلیسای اولیه

یکی از اصول برجسته آموزش در کتاب مقدس همانطور که عیسی، معلم بزرگ، آماده ترک شاگردان یا حواریون خود می باشد، هویدا میشود. آنها سه سال و نیم با او بوده اند، تقریباً هم اندازه با زمانی که ما برای سپری کردن دوران دبیرستان یا تحصیلات دانشگاه اختصاص می دهیم. در پایان هر دوره، بسته به شخص، اغلب دانش آموزان آماده هستند تا زندگی خود را بعد از آن مدیریت کرده و پیش ببرند.

اما عیسی همه چیز را بهتر میدانست، و بنابراین او برای پیروانش تعلیمی مداوم و مستمر تحت هدایت روح القدس را در نظر گرفت. در جای دیگر، این مربی یا راهنما به عنوان تسلی دهنده یا پشتیبان یا مدافع (در زبان یونانی paracletos) معرفی میشود، که تا به ابد به پیروان عیسی داده میشود (یوحنا ۱۴: ۱۶، ۱۷). او به عنوان روح حقیقت و [راستی] شناخته میشود. در حالیکه روح القدس به عنوان یک تعلیم دهنده شناخته نمی شود، به یقین کار روح آموزشی است، بخصوص که مرتبط با جستجو و یافتن حقیقت است.

اول قرنیتیان ۲: ۱ تا ۱۶ را بخوانید. از نظر پولس در زمینه آموزش چه چیزی بسیار مهم است؟

پولس گفته خویش را با یادآوری به کلیسای قرنیتیان آغاز می کند که وقتی برای اولین بار آنان را ملاقات کرد، از تنها چیزی که با آنان سخن گفت، درباره مسیح و مصلوب شدن او بود (اول قرنیتیان ۲: ۲)،-البته او حکمت هوشمندانه خود را بروز نمی داد، بلکه فقط انجیل را اعلام کرد. ولی این پایان ماجرا نبود (اول قرنیتیان ۲: ۶)، زیرا هنگامیکه این مسیحیان تازه به پختگی رسیدند، رسول باز خواهد گشت تا حکمت را به آنان بیامورد، اموری که خدا پیش از وجود دنیا مخفی ساخته بود (اول قرنیتیان ۲: ۷)، حتی عمیق ترین اسرار خدا (اول قرنیتیان ۲: ۱۰). همگی تحت هدایت روح خدا مطالعه خواهد شد در هنگامیکه او به روح یاد گیرنده می پیوندد.

چقدر این مطالعه و بررسی عمیق خواهد بود، و چقدر یادگیری برای کسانی که

توسط روح هدایت میشوند، آسان خواهد بود؟ این فصل با نقل قول اشعیا نبی پایان می گیرد که گفت «کیست که روح خداوند را هدایت کرده، و یا چون مشاورش به او تعلیم داده باشد؟» (اشعیا ۴۰: ۱۳).

اشعیای نبی با مردم عادی درباره کاری می گوید که هیچ کس قادر به انجام آن نیست. اما پولس این برداشت را تصحیح کرده و نتیجه گیری می کند که «ما فکر مسیح را داریم»، به این معنا که مسیحیان که پُری روح را دارند حتی فکر خدا را هم کسب می کنند، و به این ترتیب به هر اندازه ای که برای فراگیری و فهم برای شناخت راه او نیاز داشته باشند، دست می یابند (اول قرنتیان ۲: ۱۰ تا ۱۳).

## جمعه

### ۳۰ آبان

**تفکری فراتر:** ماموریت بزرگ انجیل (متی ۲۸: ۱۸ تا ۲۰) یک جنبش مذهبی برجسته را در سراسر جهان به حرکت در آورد. در اینجا چند رسول یا مُبلخ مذهبی (هر دو کلمه داری معنای یکسان هستند، یعنی فرستاده شدگان)، به سراسر جهان رفتند و شاگردانی را گرد آوردند، آنها به پیروان مسیح مبدل ساختند، آنان را فراخواندند تا به مسیح ایمان آورند و تعمید گیرند و تمامی آنچه را که مسیح به آنان فرمان داده بود به آنان تعلیم دادند. منظور اینکه، مسیحیان که در سراسر جهان به مسیحیت می پیوندند و معرف فرهنگها و زبانهای مختلف هستند، با آب تعمید گرفته و فقط وارد مدرسه شوند و آموزش خود را آغاز کنند. اما جای شگفتی نیست که هنوز چیزهای زیادی وجود دارد که آنها باید بیاموزند.

دلیل اینکه مسیحیان همیشه در حال آموختن هستند، فقط کنجکاوی خردمندانه یا اشتیاق تبحر بیشتر در علم نیست، بلکه این واقعیت وجود دارد که زندگی و ایمان مسیحی در هر گوشه ای از زندگی روزمره گسترده شده و ارتباط دارد و چیزهای زیادی برای یادگیری وجود دارد. به همین دلیل، نامه های عهدجدید حاوی هر دو پیام است، یعنی بشارت مسیح (که گاه در عهد جدید [kerygma[keh -RIG-ma نامیده میشود)، و تعلیم در مورد هر آنچه که مسیحیان باید یاد بگیرند (که گاه در عهدجدید [didache[did- ah-KaY نامیده میشود). نمونه خوب از بشارت مسیح در اول قرنتیان ۲: ۲ دیده میشود، در حالیکه آموزش در اول قرنتیان باب ۴ آغاز میشود و کم و بیش در بقیه رساله ادامه می یابد. مسیحیان باید چه بیاموزند؟

کار، آرامش، مسائل جامعه، روابط اجتماعی، کلیسا و عبادت، اقتصاد، نیکوکاری، رابطه با مسئولان، مشاوره، نظام خانوادگی، روابط زناشویی، و تربیت فرزندان، خوراک و تهیه آن، پوشاک و حتی پیری و آمادگی برای پایان زندگی، هم زندگی شخصی و زندگی در دنیا. مسیحی بودن یعنی یادگیری مطالبی درباره همه چیزها و خیلی بیشتر از آن. دانستن آنها بطور طبیعی خود بخود برای ما حاصل نمی شود. باید آنها را آموخت.

## سؤالاتی برای بحث

۱. کار آموزشی برای ماموریت کلیسا چقدر مهم است؟

۲. منظورِ اِن جی وایت در این جمله چیست، «ملکوت آسمان مدرسه است؟»  
(آموزش، صفحه ۳۰۱)

۳. اول قرن‌تینان ۲: ۱ تا ۱۶ را مجدداً بخوانید. توجه کنید که پولس در مورد آنچه خداوند از طریق الهام به ما نشان می‌دهد، به ما چه می‌گوید. در مورد ادعای او وقتی می‌گوید، حاکمان و حکیمان محکوم رو به زوال و نابودی هستند، فکر کنید. اگر او می‌توانست به زمان ما بیاید، درباره «حکمت» زمان ما چه می‌گفت؟